

پاسخ امام صادق به کنایه «صحفی» بودن

بر اساس اعتقاد امامیه، امامان شیعه بر خلاف دیگر دانشمندان، نیازی به آموزش دیدن در مدرسه و مکتب ندارند



بر اساس اعتقاد امامیه، امامان شیعه بر خلاف دیگر دانشمندان، نیازی به آموزش دیدن در مدرسه و مکتب ندارند (کمینه در حوزه علوم اسلامی)؛ بلکه علم خود را از مسیرهایی دیگر که برای غیر امام قابل دسترس نیست به دست می آورند. این باور برای مخالفان امامان قابل قبول نیست و نبوده.

مصطفی فناعت گر، پژوهشگر حوزه معارف اسلامی در یادداشتی که در اختیار ایکننا قرار گرفته، به این پرسش پاسخ داد که چرا امام صادق را «صحفی» می خوانند؟

متن این یادداشت را اینجا بخوانید؛

صَحْفِيّ یا صَحْفِيّ (ضبط اصحّ) از کنایه های نکوهش آمیز در میان اهل علم بوده. لقب «صَحْفِيّ» را به کسی می دادند که صرفاً از طریق مطالعه مکتوبات (صحیفه) کسب علم کرده و هیچ گاه آن کتب را نزد اهل فن و متخصصان آن علم درس نگرفته و سماع یا قرائت نکرده. در مدارس اسلامی، نظام آموزش بر پایه سماع و قرائت بود. اعتبار دانشیان یک رشته (لغت، فقه، حدیث و ...) بواسطه درس گرفتن و شرکت در جلسات سماع یا قرائت پدید می آمد. ایشان اگر می خواستند نقل هایشان برای طبقه بعد معتبر باشد، نه تنها باید معلوماتی بر پایه منابع پیشین مکتوب می داشتند، بلکه باید آن منابع را نزد اساتید و مشایخ درس می گرفتند.

بر اساس اعتقاد امامیه، امامان شیعه بر خلاف دیگر دانشمندان، نیازی به آموزش دیدن در مدرسه و مکتب ندارند (کمینه در حوزه علوم اسلامی)؛ بلکه علم خود را از مسیرهایی دیگر که برای غیر امام قابل دسترس نیست به دست می آورند. این باور برای مخالفان امامان قابل قبول نیست و نبوده.

در گزارشاتی که مجادلات کلامی میان امام صادق(ع) و دو تن از رهبران جریان های مخالف یعنی ابوحنیفه و عبدالله بن حسن را واگویی کرده، جعفر بن محمد به صحفی بودن متهم و سرزنش شده، صحفی بودن دو عیب دارد:

یکم. متون موجود در اوراق، بی نیاز از توضیح استاد نیست. تصحیح مشکلات خطی و نسخه ای، فهم افتادگی ها و اضافات، شرح برخی عبارات مبهم متن و سایر موارد، چالش هایی است که یک دانشی در مسیر کسب دانش از مکتوبات به آن نیاز دارد و طبیعتاً از خبرگان آن علم باید بهره برد و زانوی تلمذ در محضرشان بساید. کسی که استاد ندیده و مطالب را سماع نکرده، به منقولاتش اعتباری نیست. دوم. اعتبار کتب از دیرباز مورد توجه اهل علم بوده. کسی که کتابی دیده و بدون توجه به اعتبار و استنادش شروع به مطالعه کرده و اطلاعاتش از این مسیر به دست آمده، یافته هایش مورد تردید است و قابل اعتنا نیست.

بر اساس گزارشی، «عبد الله بن حسن» به امام صادق پیغام فرستاد که: «أَنْتَ رَجُلٌ صَحْفِيٌّ» (صحفی) و بدین لقب خواست او را به ضعف علمی متهم کند. پاسخ امام به او جالب است. امام معنای منفی واژه صحفی را (که در جای خود و برای افراد عادی به حق منفی است)، برای خویش به معنایی مثبت برگرداند: «فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: قُلْ لَهُ إِيَّيَّ وَاللَّهِ، صَحْفِيٌّ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَرَثَتُهَا عَنْ آبَائِي». آری من صحفی هستم؛ صحف ابراهیم و موسی و عیسی که از پدرانم به ارث برده ام (اشاره به نزاع امامت میان ایشان با حسنی ها و اینکه از این جهت برتر از حسنی ها هستند). (الکافی، چاپ اسلامیة، ج ۸؛ ۲۶۴ ص)

در گزارش دیگری ابوحنیفه که در فرعی فقهی فتوایی خلاف امام صادق داد و شخصی به او خرده گرفت، گفت: «وَمَا يَعْلَمُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، أَنَا أَعْلَمُ مِنْهُ، أَنَا لَقِيتُ الرَّجَالَ وَ سَمِعْتُ مِنْ أَقْوَاهِمُ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ صَحْفِيٌّ»؛ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنَ الْكُتُبِ». در اینجا نیز امام صادق پاسخی شبیه پاسخی که به عبد الله بن حسن دادند، دادند. (علل الشرائع، ج ۱؛ ۸۹ ص)

اینکه امام، عدم سماعش از مشایخ را نقطه ضعف نمی داند، به دلیل جایگاه علمی ویژه و خاص اوست که طرق کسب علم در آن، با طرق طبیعی کسب علم (سماع و قرائت) تفاوت دارد؛ وگرنه صحفی بودن برای افراد عادی قطعاً عیبی آشکار است. این دو گزارش می تواند در کنار سایر گزارشاتی که گریگور شولر در کتاب «شفاهی و مکتوب در نخستین سده های اسلامی» آورده،

نظریه او را تقویت کند؛ نظریه ای که به بازنگری در آراء اسلام شناسانی مانند گلدتسیهر دعوت می کند.